



درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۹ خرداد ۱۳۹۰

مصادف با: ۲۶ جمادی الثانی ۱۴۳۲

جلسه: ۱۰۹

موضوع کلی: جمع بین حکم ظاهری و حکم واقعی

موضوع جزئی: بررسی وجه نهم (راه حل محقق نائینی (ره))

سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

تفاوت راه حل مرحوم نائینی در دو تقریر:

وجه نهم از وجوه جمع بین حکم واقعی و ظاهری که توسط محقق نائینی ارائه شده بود را ذکر کردیم و حالا نوبت می‌رسد به بررسی این راه حل، لکن قبل از اینکه این وجه را بررسی کنیم به نکته‌ای اشاره می‌کنیم که سابقاً هم به آن اشاره کرده بودیم و آن این است که آنچه ما از کلام محقق نائینی در جمع بین حکم واقعی و ظاهری بیان کردیم بر اساس تقریرات مرحوم کاظمی در فوائد الاصول بود و عرض شد تقریر کلام مرحوم نائینی در اجود التقریرات با آنچه که در فوائد الاصول تقریر شده تفاوت‌هایی دارد که ما وارد جزئیات این تفاوت‌ها نمی‌شویم لکن به یک تفاوت مهمی که به این بحث ما مربوط می‌شود اشاره می‌کنیم و آن اینکه طبق تقریر مرحوم آقای خویی، محقق نائینی در مورد اصول محرزه یا تنزیلیه همان راه حلی را که در باب امارات بیان کرده‌اند ارائه می‌دهند، در باب امارات ایشان فرمودند مجعول یک حکم تکلیفی ظاهری نیست بلکه عبارت است از حجیت و طریقیّت و وسطیت در اثبات، در باب اصول تنزیلیه در فوائد الاصول فرمودند که در این اصول بنا گذاری می‌شود بر الغاء یکی از دو طرف شک و اخذ به طرف دیگر که مسبوق به یقین هم هست که در استصحاب اینگونه بود که جری عملی بر یک طرف دارند و طرف دیگر را کالعدم فرض می‌کنند، در اصول تنزیلیه طبق آنچه که در فوائد الاصول آمده اصلاً صحبت از طریقیّت و وسطیت در اثبات نیست بلکه سخن این است که یکی از دو طرف شک ملغی می‌شود و به طرف دیگر اخذ می‌شود، یک طرف نادیده گرفته می‌شود و به طرف دیگر عمل می‌شود، پس طبق تقریری که در فوائد الاصول شده راه حل طرق و امارات با راه حل اصول تنزیلیه فرق دارد اما طبق آنچه که در اجود التقریرات آمده فرقی بین مجعول در اصول تنزیلیه و مجعول در امارات نیست چون در اجود التقریرات مسئله وسطیت در اثبات و طریقیّت را ذکر کرده‌اند لذا از این حیث با امارات فرقی نمی‌کند.

بررسی کلام محقق نائینی:

ما در مجموع نسبت به موضعی از کلام محقق نائینی اشکالاتی داریم بعضی از این اشکالات به اصل این وجه و راه حلی که در جمع بین حکم واقعی و ظاهری گفته شده مربوط نیست بلکه مربوط به بعضی از مطالب و مقدماتی است که ایشان گفته و بعضی از این اشکالات به اصل آن راه حل‌ها برمی‌گردد که واقعش این است که این راه حل‌ها در بعضی از مواقع نمی‌تواند

مشکله اجتماع بین حکم واقعی و ظاهری را حل کند اینجا اشکالات متعددی از ناحیه بزرگان از جمله محقق عراقی، امام(ره) و دیگران ذکر شده که ما اهم آن اشکالات را بیان می‌کنیم.

اشکال اول (اشکال اول محقق عراقی):

محقق نائینی در مقدماتی که در بحث از موارد طرق و امارات بیان کردند فرمودند شارع امارات و طرق عقلائییه را امضاء کرده و خودش طریق خاصی در این موارد ندارد؛ مثلاً در مورد خبر ثقه روش و طریقه عقلائییه، اخذ به این خبر است و همین‌که مخبر ثقه خبری را نقل کند عقلاء بر این خبر اثر مترتب می‌کنند و شارع هم در بیان احکام شرعیه اخذ به خبر ثقه از متولیان دین را جایز دانسته و همان روشی را که عقلاء در زندگی عادی خود دارند امضاء کرده است، محقق نائینی حتی این مسئله را در بینه عادلّه، اصالة الصحة فی عمل الغير، سوق المسلم و غیره جاری می‌داند.

محقق عراقی به مرحوم نائینی اشکال کرده‌اند که قطعاً مطلب اینطور نیست؛ یعنی اینطور نیست که شارع همه جا به طریقه عقلائییه عمل کرده باشد بلکه در بعضی از موارد خود شارع طریقه خاص دارد؛ مثل سوق المسلمین، قاعده‌ای که در باب سوق المسلمین جریان دارد بین عقلاء هیچ اثر و ردی ندارد اما شارع آن را ایجاد کرده پس اینطور نیست که همیشه طریقه شارع همان طریقه عقلاء باشد بلکه یک جاهایی خود شارع طریقه خاصی را ایجاد کرده است این اشکال از آن اشکالاتی است که به اصل راه حل مربوط نیست بلکه به مقدمات راه حل مرحوم نائینی ارتباط دارد ولی می‌تواند در اصل راه حل هم اثر بگذارد.^۱

پاسخ:

به نظر ما این اشکال محقق عراقی به مرحوم نائینی وارد نیست چون شارع در موارد طرق و امارات عموماً همان روش و طریقه عقلائییه را امضاء کرده و مواردی هم که مورد پذیرش او نبوده را نفی کرده؛ یعنی روش شارع یا منع از طریقه عقلائییه است و یا امضاء طریقه عقلائییه و خودش طریقه و روش خاصی ندارد؛ یعنی ما اصلاً موردی نداریم که در نزد شارع اعتبار شده باشد اما نزد عقلاء معتبر نباشد، البته بعضی خواسته‌اند نمونه‌هایی را ذکر کنند که یک طریقی نزد شارع معتبر است اما نزد عقلاء معتبر نیست؛ مثلاً در تفسیر معنای عدالت در صحیحه ابن ابی یعفر مطالبی گفته شده که عدالت عبارت است از: یک ملکه راسخه‌ای در نفس انسانی که موجب می‌شود انسان از گناه باز بماند و شارع برای عدالت به همین معنایی که در این صحیحه وارد شده یک اماره و طریقی را قرار داده به نام حسن ظاهر، پس ما یک حقیقتی داریم به نام عدالت و شارع اماره و طریقی را برای کشف آن قرار داده که عبارت است از حسن ظاهر، اینجا گفته‌اند این اماره از نظر شارع اماریت دارد؛ یعنی حسن ظاهر از طرف شارع به عنوان یک طریقی برای کشف ملکه نفسانی عدالت قرار داده شده یعنی این یک طریقه‌ای است که شارع معتبر کرده اما عند العقلاء چنین طریقه‌ای معتبر نیست و اصلاً عقلاء چنین طریقی را به رسمیت نمی‌شناسند، پس بعضی خواسته‌اند با ذکر این مورد بگویند مواردی هست که شارع یک طریقه‌ای را اعتبار کرده که نزد عقلاء معتبر نیست. این

۱. فوائد الاصول، پاورقی، ج ۳، ص ۱۰۶.

خودش محل بحث است؛ یعنی واقعه این است که اگر ما دقت کنیم می‌توانیم بگوییم همین حسن ظاهر هم به نحو کلی به عنوان یک اماره نزد عقلاء معتبر است، درست است که حسن ظاهر در مورد خصوص عدالت به این معنایی که گفته شد؛ یعنی ملکه راسخه فی النفس، نزد عقلاء اماریت ندارد اما به طور کلی حسن ظاهر اماره‌ی بسیاری از اموری است که در باطن مردم جریان دارد؛ مثلاً صدق و راستی یکی از فضائل اخلاقی است که از نظر عقلاء اماره این فضیلت، حسن ظاهر است پس چطور می‌شود گفت حسن ظاهر هیچ اماریتی برای عدالت به معنای ملکه نفسانی ندارد، پس به طور کلی این اشکال محقق عراقی به مرحوم نائینی وارد نیست و اینطور نیست که ما مواردی داشته باشیم که نزد عقلاء معتبر نباشد ولی نزد شارع معتبر باشد بلکه شارع همان طریقه و روش عقلاء را امضاء کرده است.

اشکال دوم (اشکال دوم محقق عراقی):

محقق نائینی فرمودند عقلاء در موارد طرق و امارات، احتمال خلاف را نازل منزله عدم قرار می‌دهند، وقتی یک خبر ثقه به عقلاء می‌رسد از این خبر یقین پیدا نمی‌کنند بلکه ظن پیدا می‌کنند و چند درصدی هم احتمال خلاف می‌دهند اما این احتمال خلاف را نادیده می‌گیرند و کالعدم فرض می‌کنند؛ یعنی در واقع این امارات و طرق را منزله قطع و علم تنزیل می‌کنند، و همانطور که در علم و قطع احتمال خلاف نیست عقلاء در رابطه با اموری که مفید ظن است مثل ظواهر و خبر ثقه و امثال اینها هم احتمال خلاف را نادیده می‌گیرند و شارع هم این طریق عقلاء و این تنزیل را امضاء کرده است.

محقق عراقی می‌گوید پذیرش این طریقه عقلائییه از ناحیه شارع به این نحو است که شارع جعل امضاء کرده باشد؛ یعنی در مقام جعل قرار گرفته و این طریقه عقلاء را امضاء کرده باشد همان طوری که محقق نائینی فرمودند این تنزیل در واقع به لحاظ بناء عملی عقلاء است؛ یعنی اینکه گفته می‌شود عقلاء در مواجهه با خبر ثقه احتمال خلاف را نادیده می‌گیرند معنایش این است که بنا گذاری و جری عملی دارند بر اینکه احتمال خلاف را نادیده بگیرند، پس این تنزیل عند العقلاء به لحاظ بنا گذاری عملی است نه به لحاظ نفس عمل، آنچه که نزد عقلاء حجت است همین بنا گذاری عملی است نه خود عمل آنها، محقق عراقی می‌گوید اصلاً این نمی‌تواند به لحاظ نفس عمل باشد چون اگر قرار باشد تنزیل عند العقلاء به لحاظ نفس عمل باشد پس حجیت هم فقط باید مربوط به صورت عمل آنها باشد؛ یعنی بگوییم خبر ثقه حجت است فقط وقتی که به آن خبر عمل بکنند در حالی که نمی‌توان به آن ملتزم شد.

پس در رابطه با حجیت طرق و امارات عقلائییه دو احتمال وجود دارد:

احتمال اول: یک احتمال این است که بگوییم اینکه عقلاء امارات را نازل منزله قطع و علم قرار می‌دهند این تنزیل عقلاء به لحاظ بناء عملی آنها است؛ یعنی همین که عقلاء ملتزم می‌شوند و بنا می‌گذارند بر اینکه به خبر ثقه عمل بکنند وقتی می‌گوییم عقلاء تنزیل می‌کنند؛ یعنی بنا می‌گذارند بر اینکه به خبر ثقه اخذ بکنند.

احتمال دوم: احتمال دوم این است که بگوییم اینکه عقلاء خبر ثقه و اماره را نازل منزله قطع و علم می‌کنند و احتمال خلاف موجود در آن خبر و اماره را نازل منزله عدم قرار می‌دهند؛ معنایش این است که به آن خبر و اماره عمل می‌کنند نه اینکه

فقط بنا گذاری عملی باشد، اگر تنزیل عند العقلاء به لحاظ نفس عمل باشد مشکوک این است که حجیت فقط باید منحصر به صورت عمل باشد پس نمی‌تواند به لحاظ نفس عمل باشد بلکه تنزیل عند العقلاء به لحاظ بناء عملی آن‌ها است این بنا گذاری عملی یعنی التزام به عمل؛ یعنی اینکه عقلاء پیش خودشان ملتزم می‌شوند که ما به خبر ثقه عمل می‌کنیم، التزام به عمل؛ یعنی اینکه اراده عقلاء به این تعلق گرفته که به خبر ثقه عمل نکنند؛ یعنی یک اراده کلیه‌ای در آن‌ها شکل می‌گیرد که ممکن است در مقام خارج از آن تخلف بشود و ممکن است تخلف نشود.

محقق عراقی می‌گوید طبق آنچه که مرحوم نائینی گفته است عقلاء احتمال خلاف موجود در امارات را به منزله عدم تنزیل می‌کنند این تنزیل به معنای این است که عقلاء بنا گذاری عملی دارند و التزام عملی دارند به اینکه با وجود اینکه احتمال خلاف در امارات و طرق وجود دارد به آن‌ها اخذ نکنند این به لحاظ عمل عقلاء نیست؛ یعنی اینطور نیست که بگوییم همه عقلاء عالم به این عمل می‌کنند چون خیلی هستند که عمل نمی‌کنند حال شارع هم این تنزیل را امضاء کرده است، امضاء شارع، یعنی اینکه اراده شارع هم تعلق گرفته به عمل به همین طریق عقلاء، به محض اینکه سخن از تعلق اراده شارع به عمل بر طریق عقلاء به میان بیاید گفته می‌شود که این اراده همان اراده تشریحیه است و این اراده تشریحیه همان حکم است پس در واقع در موارد طرق و امارات یک حکم تکلیفی وجود دارد و چرا مرحوم نائینی می‌گوید در موارد طرق و امارات حکم تکلیفی وجود ندارد و وقتی در موارد طرق و امارات حکم تکلیفی وجود داشته باشد محذور اجتماع حکم واقعی و ظاهری باقی است و بر طرف نشده است، البته ایشان می‌گویند این اراده‌ای که از طرف شارع نسبت به آن طریقه عقلاء وجود دارد یک اراده حقیقیه نیست که هم در فرض موافقت و هم در فرض مخالفت با واقع ثابت باشد بلکه یک اراده طریقیه است پس شبهه تضاد بین حکم واقعی و ظاهری به قوت خودش باقی است.

خلاصه اینکه محقق عراقی می‌گوید مرحوم نائینی با توجه به ظاهر مسئله گفته‌اند عقلاء یک روشی دارند که امارات و طرق را نازل منزله قطع قرار می‌دهند و احتمال خلافی را که در امارات وجود دارد کالعدم فرض می‌کنند و نادیده می‌گیرند و شارع هم این طریقه عقلائیه را امضاء کرده است و حجیت را برای این طریقه عقلائیه جعل کرده و اصلاً حکم تکلیفی در کار نیست محقق عراقی می‌گوید مراد از تنزیل عقلاء چیست؟ مراد از تنزیل عقلاء عمل عقلاء نیست و عمل خارجی عقلاء نمی‌تواند ملاک باشد برای اینکه خیلی از عقلاء هستند که عمل نمی‌کنند پس مراد این است که عقلاء بنا گذاری عملی کرده‌اند و پیش خودشان ملتزم شده‌اند به اینکه به امارات عمل نکنند، پس ملاک، التزام قلبی عقلاء است به اینکه به امارات اخذ نکنند و احتمال خلاف در امارات را کالعدم فرض نکنند، امضاء شارع هم؛ یعنی اینکه امضاء خودش را نسبت به طریق عقلاء جعل کرده است و جعل امضاء از طرف شارع؛ یعنی شکل‌گیری یک اراده تشریحیه در نفس مولی برای اخذ به امارات و نادیده گرفتن احتمال خلافی که در امارات وجود دارد که این اراده تشریحیه در واقع منتهی به یک حکم تکلیفی شده پس حکم تکلیفی وجود دارد پس چرا محقق نائینی می‌گوید در موارد طرق و امارات حکم تکلیفی ظاهری وجود ندارد.^۱

۱. فوائد الاصول، پاورقی، ج ۳، ص ۱۰۶ و ۱۰۷.

پاسخ:

به نظر ما این اشکال هم وارد نیست و حق با محقق نائینی است که در موارد طرق و امارات حکم تکلیفی وجود ندارد چون **اولاً:** امضاء طریقه عقلائیة از ناحیه شارع به معنای انشاء یک حکم نیست، محقق عراقی گمان کرده شارع وقتی طریقه عقلاء را امضاء می‌کند؛ یعنی دارد یک حکمی را انشاء می‌کند منظور از امضاء شارع نسبت به طریقه عقلاء؛ یعنی اینکه همان طریقه عقلاء از ناحیه شارع مورد تأیید قرار گرفته و هیچ تصرفی در آن صورت نگرفته است و پای جعل در کار نیست و شارع چیزی را جعل نکرده بلکه شارع می‌گوید همان چیزی که عقلاء در معاملات و سیاسات و اموری که مربوط به آنهاست عمل می‌کنند مورد تأیید من هم هست، انشاء امضاء از طرف شارع نیست که گمان شود جعلی درکار است و حکمی به نام حکم تکلیفی ظاهری وجود دارد.

ثانیاً: اینکه محقق عراقی گفتند عقلاء احتمال خلاف را نازل منزله عدم قرار می‌دهند و این تنزیل به لحاظ بناء آنها بر عمل به این امارات است نه به لحاظ نفس عمل و نتیجه گرفتند که آنچه نزد عقلاء حجت است همین بناگذاری عملی است نه اینکه خود عمل حجت باشد چون در این صورت لازم می‌آید حجیت فقط مربوط به صورت عمل به امارات باشد در حالیکه اینطور نیست این کلام محقق عراقی محل اشکال است چون تعبیر محقق نائینی جری عملی و بنا گذاری عملی است؛ یعنی این روش عقلاء است که در مواردی مثل خبر ثقه به احتمال خلاف اعتناء نمی‌کنند؛ یعنی اثر بر آن مترتب می‌کنند و صرف یک التزام قلبی نیست که بگوییم در مقام عمل قابل تخلف است و اینطور نیست که یک اراده کلیه‌ای در نفوس عقلاء شکل گرفته باشد بر اینکه این کار را بکنند بلکه در واقع محقق نائینی اخبار می‌کند از یک روش جاری بین عقلاء که نوعاً؛ مثلاً به خبر ثقه ترتیب اثر می‌دهند، حال اگر فرض کنید؛ مثلاً در یک موردی کسی به خبر ثقه ترتیب اثر نداد این به معنای مخدوش شدن آن بنا گذاری عملی و جری عملی نیست تا بگوییم در مقام عمل از آن سیره و روش تخلف شده است و اصلاً تفکیکی که از ناحیه محقق عراقی صورت گرفته که تنزیل عند العقلاء یا به لحاظ نفس عمل است و یا به لحاظ بنا گذاری عملی صحیح نیست بلکه تعبیر محقق نائینی جری عملی است؛ یعنی عقلاء بما هم عقلاء چنانچه مقتضی موجود باشد و موانع در کار نباشد به خبر ثقه ترتیب اثر می‌دهند حالا اگر مواردی پیش آمد که به غیر این روش عمل کرده باشند شاید بواسطه موانع و عوارض بوده است و وجود عوارض و طواری و موانع در مقابل این روش عقلاء به اصل این طریق و روش خدشه‌ای وارد نمی‌کند لذا این اشکال محقق عراقی هم وارد نیست.

البته محقق عراقی یک کلام دیگری هم دارند و آن این است که گفته‌اند بر فرض این راه حل محقق نائینی شبهه تضاد را برطرف کند اما آن مشکل اصلی که شبهه نقض غرض باشد را نمی‌تواند بر طرف کند که آن شبهه نقض غرض را خود محقق عراقی مطرح می‌کنند و می‌گویند راه حل ارائه شده از طرف محقق نائینی این شبهه نقض غرض را نمی‌تواند بر طرف کند.

بحث جلسه آینده: بقیه اشکالات وارده بر راه حل محقق نائینی را در جلسه آینده عرض خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»